

## حقوق بر بان ساده

### مسئولیت مدنی

موضوع مسئولیت یکی از فصول مهم حقوق مدنی است . مسئولیت مدنی سوابق و ریشه‌هایی در حقوق اغلب ملل قدیمه مانند حقوق روم کلاسیک و حقوق اسلامی که بنوبه خود منشاء حقوق جدید است دارد .

بدون تردید مسئولیتی شبیه مسئولیت مدنی امروزه در روم قدیم وجود داشته و اغلب محققین و مؤلفین بزرگ با این عقیده موافقند ولی در اینکه آن مسئولیت کاملاً همین مسئولیت امروزی بوده تردید میشود کاملاً هم بجاست و مخصوصاً در حقوق فرانسه و سویس و بلژیک متفاوت است .

هر کسی مسئول خسارتی است که در نتیجه عمل یا غفلت و سهل انگاری خود یا بعبارت دیگر در اثر قصور یا تقصیر خود بدیگری وارد کند .

یعنی هیچ کس نباید بدیگری خسارت وارد سازد و اگر زود باید جبران کند بشرط اینکه ، ضمن عمل مولد خسارت مرتکب تقصیر شده باشد، هر چند در قانون تقصیر را تعریف نکرده اند ولی همیشه عمل مثبت تولید تقصیر نمی کند عمل منفی ، ترک عمل نیز ممکن است تقصیر شناخته شود یعنی اگر کسی از حیث وظایف و اقدامات احتیاطی محافظت و نظارت کوتاهی و غفلت کرد مقصر است .

اتلاف و تسبیب تحت عنوان مسئولیت مدنی در شغل و صنعت نیز وارد است . بعضی از علماء معاصر تقصیر را برای ایجاد مسئولیت لازم ندانسته اند و بعقیده

آنان هر کس با ارتکاب عملی یا با امتناع و یا غفلت از انجام وظیفه و رعایت احتیاطی لازم بدیگری ضرر بزند باید آنرا جبران کند .

علت پیدایش این عقیده توسعه صنایع و کارخانجات قرن اخیر است که در نتیجه آن خیلی<sup>۱</sup> از کارگران صدمه دیده دوچار نقص عضو میشدند و غالباً معلوم نمیشد علت حادثه غفلت و خطای کارفرما یا نقص ماشین با تقصیر کارگر بوده است و عده زیادی از آسیب دیدگان از کار افتاده دوچار بیماریهای دائمی گردیده ناچار بودند که با اقامه دعوی تقصیر صاحب کارخانه را ثابت کنند که تعلیق به محال بود و برای حل این مشکل دانشمندان حقوق تفسیراتی کرده خطر را مآخذ قرار دادند و گفتند هر کس بوسیله کار و فعالیت خود خسارتی بدیگری وارد سازد باید آنرا جبران کند و همانطور که منتفع میشود متضرر هم بشود ( من له الغنم فعلیه الغرم ) و بدون الزام به ثبوت تقصیر کارفرما را مسئول جبران خسارت ناشیه از حوادث کار شناختند .

با اتخاذ این رویه تقصیر را از بین نبرده بلکه در این موارد تقصیر را محرز دانسته و ثبوت آن را لازم نشمرده اند .

بعبارت دیگر باید گفت اصل خطر را يك نوع تخصیص اصل علیت شناخته اند که هر کس صدمه ای بدیگری زد ملزم به جبران باشد .

طرفداران این عقیده میگویند این اصل بیشتر از اصل لزوم اثبات تقصیر با انصاف و عدالت موافق است زیرا این اصل صدماتی را که با آسیب دیده وارد شده تخفیف داده و بطور قطع و مسلم خسارات را جبران و زیان دیده را تسلیت میدهد در صورتیکه با اصل لزوم تقصیر و اشکال ثبوت آن ممکن است خسارات وارده جبران نشود .

عده دیگر میگویند اگر آسیب دیده قابل ترحم است عاملی هم که هیچ تقصیری در حادثه نداشته قابل ترحم است و نباید جبران خسارتی با و تحمیل شود که نه پیش بینی کرده و نه تقصیری در وقوع آن داشته است و این اصل به حس ابتکار و فعالیت اقتصادی مؤسسات صنعتی لطمه میزند .

مسئولیت مدنی در شغل و صنعت **Responsabilité Professionnelles** ایجاب

میکند که هر کس بکاری اشتغال ورزد حتماً اطلاعات علمی و عملی لازم برای آن

کار را اقلأً گرفته باشد و در حسن انجام آن دقت و احتیاط و رعایت مقررات را بیماید .  
 در بعضی مشاغل داشتن دانشنامه یا پذیرش مراجع رسمی دولتی شرط است و  
 در برخی اعطای گواهی نامه دولتی دلالت بر صلاحیت و قابلیت شاغل دارد .  
 اعطای گواهی نامه مستلزم آن است که صلاحیت و قابلیت شخص را مقام ذیصلاحیت  
 گواهی داده باشد .

بعقیده بعضی مسئولیت مشاغل فقط معنوی و اخلاقی است و هر گاه تقصیر فاحشی از  
 شاغل سر بزند مسئولیت مدنی خواهد داشت زیرا نفع و مصلحت جامعه در این است که  
 مسئولیت مدنی متوجه نشود تا به حس ابداع و ابتکار اصناف لطمه وارد نگردد .  
 ولی این نظریه طرفداران زیادی ندارد زیرا تجربه نشان داده است که رسیدگی  
 به معلومات و اطلاعات اشخاصیکه پروانه اشتغال میخواهند کافی و اطمینان بخش نیست  
 بعلاوه توجه مسئولیت مدنی برای بعضی مشاغل مانع پیشرفت و ترقی آن رشته است  
 مع الوصف رویه قضائی مسئولیت مدنی را در مورد مشاغل آزاد طبق قواعد عمومی حقوق مدنی  
 پذیرفته است .

کارمندی که با امر مقامات صالحه مافوق برخلاف قانون عملی انجام دهد بطور کلی  
 از مسئولیت کیفری و مدنی بری نیست ولی از لحاظ لزوم انضباط در کارهای اداری مخصوصاً  
 در مشاغل نظامی و انتظامی که با امر افسران مافوق عملی خلاف قانون صورت گیرد و  
 مرتکب در مخالف قانون بودن عمل خود قطع و یقین نداشته باشد ممکن است غیر  
 مسئول شناخته شود .

امر پدر و مادر و شوهر در انجام يك عمل خلاف قانون با وجود سلطه و اقتدار  
 این اشخاص نسبت بالاد وزن خود رافع مسئولیت نیست مگر در مواردی که ثابت شود  
 که الزام بانجام عمل خلاف قانون با اصرار و اجبار و فشار و تهدید توأم بود یا در مواردی  
 که بدون سوء قصد بوده باشد .

در مورد دفاع از نفس در صورتیکه هنگام حمله و تجاوز مجال مدافعه قانونی  
 و شکایت بمقامات صالحه نباشد و دفاع متناسب با حمله و خطر باشد و از دفاع از نفس  
 یا مال بکسی زیانی زده شود مدافع از لحاظ مدنی و کیفری مسئول نیست .

در فقه اسلامی که اساس و منشاء قسمت اعظم حقوق مدنی ایران است مسئولیت مدنی ناشی از بزه سابقه دارد و نسبت به حقوق روم جدید تر و مترقی تر است. موضوع مسئولیت مدنی در کتاب قصاص و دیات تحت عنوان مشهور دیه بر عاقله است طرح شده .

عاقله از عقل است و عقل در لغت معانی متعدد مانند فهم ، تصور ، منع و بستن دارد .

بمناسبت معنی اخیر الذکر ( بستن ) بزانو بند شتر عقال میگویند و اطلاق و استعمال کلمه عقل در این مورد از این لحاظ است که دیه زبان صاحب خون، (ولی دم) یا عبارت دیگر بستگان مقتول را می بندد و یا بلحاظ اینکه در اقوام مسلمین عرب شترهای دیه را می آوردند در منزل مقتول عقال میکردند، یعنی می بستند و مقصود از عاقله بستگان پدری قاتل بود که ادای دیه قتل خطا و غیر عمد برعهده آنها بود و اینکه گفته شد بستگان پدری مقتول بمعنای جنس است یعنی اگر یک نفر هم باشد به ولی یا بسته قاتل که باید دیه قتل خطا را بدهد اصطلاح عاقله اطلاق میشود .

ظاهراً اطلاق لفظ عاقله بر امام (ع) نیز باید بهمین مناسبت باشد .

غرض از عبارت دیه بر عاقله این است که اگر مسلم آزادی مرتکب جنایت و جنحه خونی غیر عمد (خطای محض) میشد بدون اقتصاص و انتقام دیه را عاقله او (یعنی مسئولین مدنی) می پرداختند هم چنین در باره دیه ناشی از جنایات و جنحه های صغار و مجانین اعم از عمد و شبهه عمد و خطای محض جاری میشد .

امروز پدر ، آموزگار ، دیر و کارفرما هر گاه مرتکب غفلت و مسامحه و بی احتیاطی شوند یعنی در تعلیم و تربیت و نگهداری و هدایت طفل و دانش آموز یا کارمند و کارگر دقت و مراقبت لازم را نکرده سبب زیان شوند مسئولیت مدنی دارند .

بشرحیکه گفته شد عمل مثبت همیشه تولید تقصیر نمی کند بلکه عمل منفی یعنی ترك عمل نیز تقصیر شناخته میشود اگر کسی باقتضای ارجاع کار و شغلی عقلا و عرفاً باید برای جلوگیری از وقوع حادثه و احتراز

از آسیب و زیان اقدامی و احتیاطی کند یا اسباب و ابزار و وسیله‌ای بکار برد یا در اختیار کارمند و کارگر بگذارد و امتناع یا غفلت و یا اتمام کرده باشد و در نتیجه بکارمند یا کارگر یا اشخاص ثالث صدمه و آسیب یا خسارتی متوجه شود مسئول است. مثلاً اگر کارفرما مقنی را با طناب پوسیده به چاه بفرستند یا مقنی کارگر را با وسائل غیر کافی بدون لوله هوا و طناب محکم بکار بگمارد و کارفرما سکوت کند و احتیاط و مراقبت لازم را در کار مقنی و کارگران و رسیدگی با سبب کار و وسائل احتیاطی آنان نکند در مسئولیت شرکت دارد.

بطور مثال در مسئله قتل نگهبان از لحاظ مسئولیت مدنی با توجه باینکه بانک در معرض خطر حمله سرقت است و با در نظر گرفتن نژاد این وقایع که در بانکهای دیگر رخ داد باید بانکها نگهبان داشته باشند نگهبان باید برای نگهبانی آمادگی و اسلحه داشته باشد نگهبان باید آلارم و وسیله اعلام خطر داشته باشند نگهبان باید بخرج بانک بیمه شده باشد و اگر بانکی در اجرای وظائف مدنی خود نسبت به تعلیم و تجهیز نگهبان و تسهیل استمداد و دفاع وی غفلت و قصور کرده باشد مسئولیت مدنی دارد و اگر این خبر جرائد دائر باینکه نگهبان تنها بوده و اسلحه نداشته یعنی بانک اسلحه او را گرفته و بدون تجهیز ویرابه نگهبانی گذاشته است صحیح باشد بانک در مقابل بازماندگان نگهبان مسئول و برعهده وزارت کار و اداره سرپرستی است که در استیفای حقوق صغار نگهبان مقتول اقدام و نظارت کنند و مسلماً بانک و دادگستری و وزارت کار بوظائف خود وقوف داشته و اقدام کرده اند.